

# نگاهی به جغرافیای سیاسی عراق و کویت...

○ نوشته: پیروز مجتهدزاده عضو هیأت علمی مرکز پژوهش‌های ژئوپولیتیک و مرزهای بین‌المللی دانشگاه لندن

○ توضیح: این مقاله پیش از آغاز جنگ خلیج فارس نوشته شده و در اختیار «اطلاعات سیاسی - اقتصادی» قرار گرفته است. باپوزش از نویسنده محترم بخاطر تأخیر ناخواسته‌ای که در چاپ مقاله شان پیش آمده بخش‌هایی از آن که حاوی اطلاعاتی در مورد جغرافیای سیاسی عراق و کویت و تاریخچه روابط این دو کشور است ذیل درج می‌گردد.

## زمینه‌ها

از اواخر تیرماه گذشته، دولت عراق استراتژی کهن تهدید علیه شیخ‌نشین کویت را، پس از سال‌ها، تجدید کرد. این بار ادعاهای ارضی و مرزی، با اعلام عدم بازپرداخت وام‌های دریافت شده از کویت در جریان جنگ هشت ساله با ایران، تقاضای دریافت خسارت از کویت به خاطر استخراج نفت از سوی آن شیخ‌نشین از یک حوزه نفتی مورد اختلاف (روضتین) در منطقه الباطنه و نیز ابراز خشم از اقدام دولت کویت در زمینه پائین آوردن بهای بین‌المللی نفت، همراه بود. عراق ادعا کرد که نه تنها بدهی ده میلیارد دلاری خود را به کویت پرداخت نخواهد کرد، بلکه باید ۲/۴ میلیارد دلار بابت خسارت ناشی از موارد یادشده دریافت نماید.

روز دهم مرداد ماه نمایندگان دو دولت در ریاض وارد گفت‌وگو شدند تا راه‌حلی برای این اختلافات پیدا کنند. همان روز، حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر در بغداد با رئیس‌جمهور عراق دیدار کرده و از او قول گرفت که به کویت

حمله نکند. گزارش‌های انتشار یافته حکایت داشت که نماینده کویت در گفت‌وگوهای ریاض موافقت کرده است که دولت وی با پرداخت یک میلیارد دلار مسئله را پایان دهد. نماینده عراق این پیشنهاد را رد کرد و خواستار پرداخت همه مبلغ مورد ادعا شد. نماینده کویت گفت وگوها را نیمه‌تمام گذارده و برخاش کنان درها را به هم کوفت و به کشورش بازگشت. این واکنش خشم‌آلود عراق را برانگیخت تا ساعتی چند پس از این رویداد، سراسر خاک کویت را درنوردد و آن شیخ‌نشین را اشغال کند. دولت کویت سرنگون و سران آن دولت به عربستان سعودی گریختند. دولت بغداد گروهی از نظامیان را، به عنوان دولت موقت کویت، گرد هم آورده و به جای خاندان صباح در آن شیخ‌نشین به حکومت رساند. این دولت موقت، پس از یک هفته، از بغداد خواست تا کویت را در عراق ادغام نماید. روز چهارشنبه ۱۷ مرداد ماه، دولت عراق - در برابر چشمان شگفت‌زده جهان - از دولت موقت دست‌نشانده خود در کویت سپاسگزاری و سراسر کویت را بخشی از خاک عراق اعلام کرد. اندکی بعد، عراق شیخ‌نشین کویت را استان نوزدهم خود خواند و نام شهر کویت را به الکاظمه تغییر داد.

عراق همه این اقدامات سریع و شگفتی‌آفرین را براساس یک ادعای ارضی کهن و اینکه کویت در دوران امپراطوری ساسانی، خلافت عباسی، و امپراطوری عثمانی تابع و مالیات پرداز استان بصره بوده است، توجیه می‌کند. این ادعا، هراندازه که واقعی یا از واقعیت تهی باشد، در دنیای کنونی جز یک بهانه تاریخی برای دست‌آوردهای جغرافیایی مفهوم دیگری ندارد.

## جغرافیای سیاسی دشوار عراق

عراق کشوری است که از جغرافیای سیاسی دشواری رنج می‌برد.<sup>(۱)</sup> در بخش خاوری، ادعاهای

مرزی عراق علیه ایران، شرایطی سخت را در روابط دو کشور بوجود آورده است. این روابط از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۵ دوران پرخطرهای را پدید آورد و از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ منجر به بروز و ادامه جنگی توان‌فرسا میان دو همسایه شد. در مرزهای شمال و شمال باختری، عراق روابط بسیار تیره‌ای را با سوریه دنبال کرده است. در این بخش، گذشته از اختلافات شدید ایدئولوژیک بعث عراق با بعث سوریه و رقابت‌های گسترده دو کشور در مسائل خاورمیانه عربی، اختلافات جغرافیایی بر سر مسئله آب رود فرات و چگونگی بهره‌گیری دو کشور از آن و برخی اختلافات دیگر، مجموعه‌ای از مشکلات را فراهم می‌سازد که از دید جغرافیای سیاسی، عراق را در آن مرزها محبوس می‌سازد. قطع لوله نفت عراقی ماورای سوریه از سوی دمشق بر ژرفای این اختلافات افزوده است.

روابط عراق با ترکیه هیچ‌گاه اطمینان‌بخش نبوده و بی‌بسته تحت تأثیر دو مسئله اساسی قرار داشته است؛ نخست مسئله کنترل ترکیه روی آب دجله که می‌کوشد با بستن سدھانی بر آن حداکثر بهره را از آن رودخانه بگیرد. اقدامی که روی زندگی کشاورزی عراق اثر ویران‌کننده‌ای خواهد داشت؛ دوم مسئله ادعای کم‌سرو صدای ترکیه در زمینه مالکیت مناطق نفتی شمال عراق. گذشته از این موارد، عراق و ترکیه با گرایش‌های متفاوت نسبت به دو ابرقدرت خاوری و باختری هرگز نمی‌توانستند روابط درخور اطمینانی میان خود برقرار سازند. گرایش ترکیه به ابرقدرت باختری و عضویتش در ناتو شرایطی بوجود می‌آورد که ترکیه را وادار می‌سازد تا به خواسته هم‌پیمانان خود در باختر زمین همه ملاحظات منطقه‌ای را زیرپای گذارد و راه درآمد مهمی چون حق ترانزیت از نفت صادراتی عراق توسط لوله نفتی ماورای ترکیه و نفت وارداتی از عراق را نادیده گیرد و لوله نفت عراقی ماورای ترکیه را، در پاسخی مثبت به غربیان، قطع نماید. این اقدام به دولت بغداد هشدار داد که روابط با ترکیه در روزگاران حساس درخور اتکا و اطمینان نیست.

مناسبات عراق با اردن عادی بوده و هست، اما دست‌رسی به دنیای خارج از راه اردن نیز برای بغداد قابل اطمینان نیست. چراکه سواحل اردن به خلیج عقبه محدود می‌گردد، به جانی که چیرگی اسرائیل بر آن تزلزل‌ناپذیر است و وقوع درگیری در آن، عراق را سخت دچار چیرگی استراتژیک اسرائیل خواهد ساخت.

در بخش جنوبی، مرزهای عراق و عربستان سعودی از میان بیابانهای وسیع شمال شبه‌جزیره عربستان می‌گذرد، از جانی که هیچ امتیاز استراتژیک و اقتصادی به عراق وعده نمی‌دهد. با این حال، عراق خط لوله نفتی ماورای عربستان را در سال ۱۹۸۵ تکمیل کرد. اما این خط نیز در جریان بحران اخیر از کار افتاد و یک بار دیگر توجه بغداد را به این درس کهن جلب کرد که دست‌رسی به دنیای خارج از راه کشورهای همسایه چاره درد عراق نیست. چنین دست‌رسی،



برای هرکشوری، غیردائمی و غیرقابل اطمینان است.

با چنین جغرافیای سیاسی دشواری، عراق چاره‌ای نمی‌بیند جز اینکه توجه استراتژیک خود را روی کویت متمرکز کند، روی سرزمینی که با ۱۲۵ مایل خط کرانه‌ای در خلیج فارس، آزمندی بغداد را سخت به خود جلب کرده است. دسترسی عراق به آب‌های خلیج فارس به خط کرانه‌ای کوتاهی در امتداد ۲۵ مایل محدود است. امکان اقتصادی و نظامی این خط کرانه‌ای بسیار اندک و نامساعد است. نامطلوب بودن کرانه‌های ۲۵ مایلی عراق در شمال باختری خلیج فارس تا آن اندازه است که پایانه و تاسیسات نفتی عراق به منطقه فو، در دهانه شط‌العرب یا اروندرود، محدود شده است. حتی برای افزایش کارآئی بندر فو، عراق ناگزیر بوده است پایانه‌های نوین خود را در فاصله‌ای نسبتاً طولانی، در آب‌های خلیج فارس گسترش دهد (تاسیساتی چون میناالبکر و الامیه در فاصله ده و دوازده مایلی کرانه‌های عراق، در آبهای خلیج فارس به وجود آمده است).

در سال ۱۹۷۲، هنگامی که عراق پس از

○ سرزمین کویت در دوران پیش از اسلام، حاشیه جنوب باختری امپراتوری‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی را تشکیل می‌داد

○ عراق، تحت هر رژیم، باید به این نتیجه برسد که جز خلیج فارس راه دیگری به دنیای خارج ندارد و برای بهره‌گرفتن از این راه منحصر به فرد، ناچار است دوستی و همکاری همیشگی ایران را خریدار شود.

امضای قرارداد دفاعی پانزده ساله با شوروی، تاسیس یک پایگاه دریائی را در منطقه تدارک دید، چاره‌ای جز انتخاب ام‌القصر برای این منظور نداشت. ام‌القصر در انتهای خور عبدالله واقع شده و به شدت تحت الشعاع موقعیت استراتژیک دو جزیره کویتی وره و بوییان قرار دارد.

به این ترتیب طبیعی است که عراق تصاحب کویت یا دو جزیره کویتی یاد شده را تنها راه رهائی از زندان جغرافیایی سیاسی نامهربان خود ببیند. در هر حال، عراق، تحت هر رژیمی، باید به این نتیجه برسد که جز خلیج فارس راه دیگری به دنیای خارج ندارد و برای بهره‌گرفتن از این تنها راه درخور اطمینان، ناچار است دوستی و همکاری همیشگی ایران را خریدار گردد؛ دوستی و همکاری کشوری که مواضع کنترلی‌اش در تنگه هرمز تردیدناپذیر است و حضور آن در بخش‌های شمالی خلیج فارس را نباید دست کم گرفت.

در رابطه با ادعای مالکیت عراق بر کویت، شاید بهتر باشد با نگاهی به پیشینه‌های این ادعا، حقایق را عریانتر دید.

## پیشینه‌های تاریخی

سرزمین کویت در دوران‌های پیش از اسلام حاشیه جنوب باختری امپراتوری‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی را تشکیل می‌داد. هنگامی که خالد بن ولید، پیشاپیش لشکر اسلام به ایران روی آورد، نخستین گام برخاک ایران را با ورود به کویت، که آن هنگام «کاظمه» نامیده می‌شد، برداشت.

در دوران حکومت‌های اسلامی ایران، هرگاه امپراتوری ایران به سوی باختر گسترش می‌یافت مرزهای جنوب باختری ایران کویت را دربرمی‌گرفت. در دوران صفویان، بخش شمالی کویت منتهی‌الیه سرحد جنوب باختری ایران را تشکیل می‌داد. هنگامی که امپراتوری صفوی سراسیمی و سستی را آغاز کرد، شماری از قبایل عرب از داخل عربستان راهی کرانه‌های خلیج فارس شدند. آل صباح (کویت) همانند آل خلیفه (بحرین) از اعراب عنیزه‌اند که از قلب عربستان به کرانه‌های خلیج فارس مهاجرت کردند. اعراب عنیزه که در ادبیات منطقه به خوی بیابانگردی، دلیری و بی‌رحمی مشهورند، از قبایل کهن صحراهای عربستان هستند که قرن‌ها را به صحراگردی و شترچرانی گذرانده و به نان‌جوین و شیر شتر سر می‌کردند.

حدود سه قرن پیش، هنگامی که آوازه صید و بازرگانی پرسود مروارید در کرانه‌های خلیج فارس توأم با خبر سستی گرفتن امپراتوری صفوی، بیابان‌های عرب را در نوردید، سه تیره از اعراب عنیزه وسوسه شدند تا بیابانگردی را رها ساخته و به کرانه‌های دریای پارس روی آورند. این سه تیره، آل صباح به ریاست شیخ سلمان بن احمد، آل خلیفه به ریاست شیخ جابر بن عتوب بودند که بیابان‌های نجد را رها کرده و در سال ۱۷۱۰ میلادی در محل کنونی شهر کویت فرود آمدند؛ در جانی که بطور کلی بیگانه بودند. کویت، در آن روزگاران، «قرین» نام داشت و روستائی کوچک بود با ساکنانی اندک. سال‌ها بود که دولت عثمانی از سستی دولت صفوی استفاده کرده و برخی زندانیان را در آن منطقه نگاه می‌داشت و برخی افراد قبیله‌البدرا به پاسداری از آن زندانیان گمارده بود، در حالی که قرین اسما بخشی از حکومت بنی‌رشید را در شمال شبه جزیره عربستان تشکیل می‌داد.

آنچه در آن دوران در روستای «قرین» دیده می‌شد، شمار اندکی چادر بود که به چند خانوار از قبیله کوچ‌نشین «عوازم» تعلق داشت، چند کلبه که ماهی‌گیران بیابان‌های داخلی در فصل ماهی‌گیری از آن‌ها استفاده می‌کردند، و یک بارو (قلعه‌ای کوچک که به شیخ سعدون بن محمد رئیس قبیله بنی‌رشید تعلق داشت. نام «کویت» بعدها به مناسبت این بارو پدیدار آمد. بارو را عرب‌های منطقه «کوت» گویند و «کویت» اسم مصغر است که کوت یا باروی کوچک معنی می‌دهد.

به هر حال، «قرین» در آن هنگام سرزمینی بود بی‌اهمیت و با مالکیتی نامشخص. سه تیره یاد شده که عموزادگان آل سعود، حکام کنونی عربستان سعودی بودند، در برخورد با دنیای ناشناخته نوین اراده بر آن استوار ساختند که گردهم آیند و به یاری



کارورزی‌های ویژه یکدیگر، زندگی تازه خود را پیشرفت دهند. رهبری این فدراسیون، در سال‌های نخستین، میان شیوخ سه تیره تقسیم شده بود. آل «جلاهمه» وظیفه کشتیرانی را به عهده گرفت، در حالی که آل خلیفه امور صید و بازرگانی مروارید را به اختیار درآورد. و امور سیاسی و دیپلماتیک تحت سرپرستی آل صباح قرار گرفت. قرار این بود که درآمد حاصل شده از همه این تلاش‌ها به تساوی میان آنان تقسیم گردد.

پنجاه سال نخستین این گردهم آمدن شاهد رشد سریع دارائی و اهمیت «قرین» و گسترش جمعیت این تیره‌ها از راه نزدیکی و ازدواج با دیگر تیره‌های منطقه بود.

## تولد امارت آل صباح

در سال ۱۷۳۷ هنگامی که قدرت نادرشاه افشار به اوج می‌رسید، سرداروی، لطف‌علی‌خان، به کرانه‌های جنوبی خلیج فارس تاخته و سراسران کرانه‌ها را از وجود شیوخ که تنها به تابعیت اسمی از ایران خو گرفته بودند، پاک کرد و این مناطق را، از «راس‌الخیمه» تا «احساء»، به ایران بازگرداند. این رویداد خیال آل صباح را از مزاحمت شماری از حکام محلی آسوده کرد و شرایط را برای تولد امارت نوین کویت آماده ساخت، اگرچه آل صباح هرگاه که توانستند علیه منافع ایران در خلیج فارس گام برداشتند و این سیاست را تا همین اواخر ادامه دادند.

به هر حال، ۴۲ سال از فرود آمدن سه تیره پادشاه در «قرین» گذشته بود که قبایل موجود در آن دیار، تصمیم به انتخاب رهبر واحد گرفتند. شیخ صباح بن جابر الصباح در سال ۱۷۵۲ به رهبری فدراسیون انتخاب شد و این سرآغاز امارت آل صباح در «قرین» بود. هیچ کس مانع این انتخاب نشد و هیچ قدرتی انتخاب شیخ صباح به ریاست جامعه «قرین» را تحولی تازه در منطقه نپنداشت.

۱۴ سال پس از این دگرگونی، تیره‌های تشکیل



دهنده فدراسیون تصمیم گرفتند هریک زندگی جداگانه‌ای را دنبال کنند. شیخ خلیفه بن محمد، رئیس زیرک آل خلیفه، توانست سران دو تیره دیگر را قانع کند که هنگام جدا زیستن سه تیره فرا رسیده است، بی آنکه همکاری‌های سیاسی و اقتصادی آنها لطمه ببندد. به این ترتیب، در سال ۱۷۶۶ «آل خلیفه» یا آل صباح وداع کرده و رهسپار بحرین شد. آل «جلاهمه» در این مهاجرت وظیفه پاسداری آل خلیفه را به عهده گرفتند و تا شبه جزیره قطر آنان را همراهی کردند.

بحرین در آن روزگار نه تنها مجمع‌الجزایر بحرین را شامل می‌شد، بلکه سراسر مناطقی را که امروز قطیف، احساء و قطر نام دارند، دربر می‌گرفت. قطیف و احساء تحت حاکمیت بنی خالد بودند که پس از نبردهای سرداران نادرشاه در آن دیار از ایران اطاعت می‌کرد، درحالی که مجمع‌الجزایر بحرین و بخش شمالی شبه جزیره قطر (زبارة) تحت حاکمیت مستقیم ایرانیان بود. حاکم ایرانی این سرزمین، شیخ نصرخان، با ورود آل خلیفه به آبادی زبارة که مرکز حکومت آن بخش از منطقه بود، مخالفتی نوزید ولی همینکه آل خلیفه دست به مهاجرت از زبارة به مجمع‌الجزایر بحرین زد، شیخ نصرخان تصمیم به جلوگیری از مهاجرت دوباره آنان گرفت. در نخستین نبردی که میان دو طرف درگرفت، نیروهای شیخ نصرخان درهم شکست. وی نامه‌ای به فرزندش در بحرین نوشت و از او خواست که در برابر تجاوز تازه‌واردان ایستادگی کند تا وی نیروی تازه‌ای را که در بوشهر آماده کرده بود، با خود برای دفاع از بحرین بیاورد. نامه شیخ نصرخان در دریا به دست فرستادگان آل صباح افتاد. شیخ نصرخان بی‌خبر از ماجرا و ناآگاه از اینکه آل صباح نیرو به یاری آل خلیفه فرستاده و این دو نیرو به کمین او و نیروهای تازه‌اش نشستند، قوای خود را بسوی بحرین هدایت کرد. آل خلیفه، به یاری آل صباح، سراسر بحرین را اشغال کرده و بر برج و باروهای آن دست یافته بود. شیخ نصرخان هنگامی به آن سامان رسید که کار از کار گذشته بود. وی برای چاره مشکل به بوشهر بازگشت تا نیروی پرتوانی به بحرین گسیل کند اما مرگ کریم‌خان زند در سال ۱۷۹۹ این امکان را از او گرفت. آل خلیفه اگرچه در بحرین مستقر شد، ولی همینکه اقتدار دولت قاجار بالا گرفت، شیخ محمدبن خلیفه با ارسال نامه‌ای به تهران اطاعت خود را از دولت ایران اعلام کرد و فرمانداری بحرین را از شاه قاجار درخواست نمود. درخواست وی پذیرفته شد و بحرین به صورت یک ایالت خودمختار ایران باقی ماند تا آنکه کلنل پلی انگلیسی شیخ خلیفه را شکست داد و تبعید کرد و بحرین را به مناطق تحت‌الحمایه بریتانیا در خلیج فارس افزود.

اندکی از مهاجرت آل خلیفه به بحرین گذشته بود که آل «جلاهمه» نیز آل صباح را بدرد گرفته، راه جنوب خاوری درپیش گرفت و در قطر اسکان یافت. به این ترتیب، آل صباح به تنهایی در «قرین»

○ در سال ۱۹۳۲ عراق و کویت مرزهای تقریبی خود را در شمال منطقه کویتی «الباطنه» و جنوب منطقه عراقی «رمیله» تعیین کردند. براساس قراردادی که به امضاء رسید، هشت جزیره واقع در نزدیکی کرانه‌های دو کشور در خلیج فارس، از جمله جزایر «وربه» و «بوپیان» رسماً از آن کویت شناخته شد.

سالاری یافت و امارتش بر آن سرزمین بلامنازع شد.

کمکی که آل صباح به آل خلیفه در مقابله با حاکم ایرانی بحرین داد، درحقیقت پاسخی بود به محبتی که آل خلیفه پیش از آن به آل صباح در مقابله با بنی کعب نشان داده بود. تیره عرب زبان ولی ایرانی الاصل بنی کعب که پس از نادرشاه در خوزستان اقتدار یافته بود، از اوایل دهه ۱۷۹۰ دست‌اندازی به «قرین» را آغاز کرد. اندکی نگذشت که بنی کعب بر آل صباح چیره شد و امارت «قرین» را وادار نمود که هر ساله مالیات معینی به خوزستان بفرستد. از آن گذشته، شیخ بنی کعب دختر شیخ عبدالله آل صباح (مریم) را به زور به ازدواج خود درآورد. این امر چنان بر آل صباح گران آمد که خود را آماده مقابله با بنی کعب نمود. رزمندگان آل خلیفه به یاری آل صباح شتافتند و این دو نیرو، به فرماندهی شیخ سالم الصباح، برادر مریم، با بنی کعب به نبرد پرداخته و نیروی آنان را درهم شکستند و مریم را به «قرین» بازگرداندند. آل صباح نیز چنانکه گفته شد، در پاسخ این محبت در نبرد آل خلیفه علیه حاکم ایرانی بحرین شرکت کرده و مقدمات جدائی بحرین را از ایران فراهم ساخت. این اقدام آل صباح درحقیقت نخستین بازی سیاسی آل صباح در خلیج فارس شمرده می‌شود.

تغییر نام «قرین» به «کویت» و رونق گرفتن این امارت

در سال ۱۷۷۵ هنگامی که نیروهای ایران به سرداری برادر کریم خان زند، بصره را از چنگ عثمانی‌ها خارج کردند و به ایران بازگرداندند، نماینده سیاسی بریتانیا و گروهی از مردم بصره به «قرین» مهاجرت کردند. همزمان با این مهاجرت راه بازرگانی هند با عثمانی، از بصره به «قرین» انتقال یافت. این دگرگونی برای امارت آل صباح بس برحاصل بود و بر اهمیتش در منطقه افزود. حتی بعد از اینکه دوایر شرکت هند شرقی، پس از مرگ کریم‌خان زند در سال ۱۷۹۹ و از دست رفتن دوباره بصره، به آن شهر انتقال یافت، بندر قرین رونق خود را از طریق انتقال کالا از کشتی‌ها به کاروان‌هایی که به بغداد و حلب و قسطنطنیه رفت و آمد داشتند، ادامه داد. استقرار آل خلیفه در بحرین امکانات بازرگانی تازه‌ای برای هر دو

حکومت بوجود آورد. ورود کالاهای گوناگون به «قرین» از مسقط، زبارة، بحرین و قطیف آغاز گردید و منطقه رو به گسترش «قرین» رفته رفته به گونه یک موجودیت سیاسی جدا از دیگران درآمد. به تدریج قلمرو حکومت شیخ الصباح از منطقه «قرین» فراتر رفت و به «کویت» مشهور شد.

انتقال دوایر کمپانی هند شرقی از بصره به کویت بر حضور اروپائیان در منطقه افزود. همین مسئله خشم وهابیان را که در آن تاریخ سراسر شبه جزیره عربستان را درمی‌نوردیدند، برانگیخت. وهابیان (که بعدها حکومت آل سعود را در عربستان تاسیس کردند) چند بار به کویت حمله بردند و کوشیدند تا آن امارت نوین را ضمیمه عربستان کنند. در سال ۱۷۹۵، یورش‌های وهابیان چنان گسترش و استمرار یافت که انگلیسی‌ها را وادار ساخت کویت را ترک کرده و به بصره بازگردند. آل صباح که خود را تنها یافته بود، چاره‌ای ندید جز اینکه با وهابیان همکاری کند. در سال ۱۸۰۰ نیروهای وهابی حکومت بنی خالد را در بحرین کرانه‌ای برانداخته و «احساء» و «قطیف» را ضمیمه قلمرو خود ساختند. ایران در این تاریخ گرفتار مشاجره آغامحمدخان قاجار و لطف‌علی خان زند بود و نتوانست از این تجاوز جلوگیری نماید. اگرچه دولت قاجار بعدها به درخواست حاکمان مسقط و عمان، نیروی بزرگی روانه آن دیار کرد و این نیرو توانست از گسترش نفوذ وهابیان در سرزمین‌های عمان و امارات متحده کنونی جلوگیری نماید ولی بازستاندن بحرین کرانه‌ای برای ایران امکان نداشت. به ویژه اینکه دیری نپایید که ترک‌های عثمانی با وهابیان بر سر چیرگی بر قطر و احساء و قطیف به نبرد پرداختند و در باره‌ای موارد بر آنان پیشی گرفتند. ایران توان مقابله با دو نیروی متخاصم در آن سوی آب‌های خلیج فارس را نداشت و بحرین کرانه‌ای را برای همیشه از دست داد.

همکاری آل صباح با وهابیان تا سال ۱۸۱۸ ادامه یافت. در این سال، محمدعلی پاشا خدیو مصر به نمایندگی سلطان عثمانی به شبه جزیره عربستان تاخت و قدرت وهابیان را، موقتاً، درهم شکست.

امارت خودمختار آل صباح مالیات خود را به بصره داد

از سال ۱۸۱۸، کویت به عنوان امارتی خودمختار، حاکمیت دفکتوی عثمانی را پذیرفت و این وضع را تا سال ۱۸۹۸ ادامه داد. مالیات سالانه این امارت خودمختار به «پاشا لیک» بصره داده می‌شد. نفوذ ترکان عثمانی در کویت، در دوران شیخ عبدالله الصباح دوم (۱۸۶۶-۱۸۹۲) فزونی گرفت. در سال ۱۸۷۱ عثمانی‌ها از شیخ عبدالله خواستند تا در لشکرکشی به احساء ترک‌ها را یاری دهد. شیخ کویت ۳۰۰ قایق در اختیار آنان گذاشت تا اسب‌ها و توپ‌خانه عثمانی را به کرانه‌های «احساء» برسانند. وی همچنین امارت نوظهور آل ثانی را در قطر تشویق کرد تا پرچم



عثمانی را بپذیرد. این خدمت بزرگ شیخ عبدالله پاداشی داشت از سوی امپراطوری عثمانی که در حقیقت وابستگی کویت را به بصره محکم‌تر نمود. سلطان عثمانی، توسط مدحت پاشا والی بغداد، مقام و لقب «قائم‌مقام» کویت را به شیخ عبدالله، بخشید. پذیرفتن این مقام از سوی شیخ عبدالله در حقیقت، کویت را آشکارا به صورت بخشی از پاشالیک بصره درآورد. به این ترتیب، تابعیت اسمی کویت نسبت به حکومت عثمانی از ۱۸۱۸ تا سال ۱۸۷۱ به طول انجامید. این تابعیت در سال یادشده صورتی واقعی پیدا کرد و تا سال ۱۸۹۹ ادامه یافت. به گفته دیگر، تابعیت رسمی کویت نسبت به پاشالیک‌های عثمانی در بغداد و بصره جمعاً از ۲۸ سال تجاوز نکرد.

در سال ۱۸۹۲ شیخ محمد به جای برادرش شیخ عبدالله به امارت کویت رسید. حکومت وی چهار سال دوام یافت و در سال ۱۸۹۶ شیخ مبارک به جای برادرش شیخ محمد حکومت کویت را به دست گرفت. دوران حکومت شیخ مبارک (که کویتی‌ها او را کبیر می‌خوانند) با چند رویداد توأم بود: نخست اینکه عموزادگان وی «آل جراح» که خود را وارث برحق امارت الصباح در کویت می‌دانستند، بر او شوریدند. مبارک نیروی آنان را درهم شکست و از کویت بیرون راند. آل جراح به زبیر رفتند و بعدها در بصره اقامت گزیدند.

هنوز غبار مشاجره با آل جراح فرو ننشسته بود که مبارک دچار مبارزه شیخ جاسم ال‌ثانی، امیر قطر شد. شیخ جاسم نیز حکومت کویت را حق آل «جلاهمه» که از اجداد او بودند، می‌دانست. دیری نپایید که حکام بنی‌رشید از شمال شبه جزیره عربستان به کویت تاختند و نیروهای شیخ مبارک را در سال ۱۹۰۱ سخت درهم شکستند. هنوز بیروزی

بنی‌رشید کامل نشده بود که وهابیان بر بنی‌رشید تاختند و حکومت آنان را در شمال عربستان برچیدند.

گذشته از این خطرهای منطقه‌ای، نزدیکی عثمانی با آلمان خطر بزرگتری برای کویت ایجاد کرد. این عوامل سبب شد تا شیخ مبارک در اندیشه بستن پیمان با قدرتی برتر در منطقه افتد. در سال ۱۸۹۷ وی به انگلیسی‌ها روی آورد و خواست با آنان هم‌پیمان شود ولی انگلستان درخواست وی را رد کرد، چرا که:

«... در سال ۱۸۹۶، کویت جای مهمی در ملاحظات سیاسی بریتانیا اشغال نمی‌کرد. این شیخ‌نشین، در بریتانیا به عنوان منطقه‌ای تحت نفوذ ویژه عثمانی شمرده می‌شد... بهر حال، در سال ۱۸۹۸، تلاش‌های روس‌ها در منطقه، بریتانیا را به بازنگری سیاست خود نسبت به کویت تشویق کرد و به اندیشه یافتن چاره‌ای برای جلوگیری از گسترش نفوذ بیگانه در کویت انداخت. شواهدی در دست بود که از تمایل روسیه به یافتن جای پائی در کویت و گرفتن امتیاز از عثمانی‌ها به نفع کنت کهنیست روسی برای تأسیس راه آهنی میان خلیج فارس و مدیترانه حکایت داشت. طرحی که اگر جامه عمل می‌پوشید، می‌توانست به حقوق ارضی روس‌ها نسبت به کویت منجر شود.» (۲)

### کویت تحت الحمایه بریتانیا

با گسترش تمایل روس‌ها و آلمان‌ها به کویت، اهمیت استراتژیک این شیخ‌نشین در نظر ابرقدرت‌های آن روزگار فزونی گرفت. انگلیسی‌ها به این گمان افتاده بودند که آلمان‌ها و فرانسویان نیز می‌خواهند راه آهن برلن - بغداد را تا کویت امتداد دهند. در برخورد با این ملاحظات

استراتژیک، بریتانیا قراردادی در ماه ژانویه ۱۸۹۹ با شیخ مبارک الصباح امضاء کرد که به موجب آن کویت رسماً تحت الحمایه بریتانیا شد. انگلیسی‌ها تعهد کردند که از کویت در برابر خطرهای خارجی دفاع کنند و حکومت آل صباح پذیرفت که با هیچ دولت خارجی، جز بریتانیا، پیمانی نبندد.

حمایت بریتانیا، بهر حال، مانع نزاع‌های قبیله‌ای در اطراف کویت نشد. بویژه آنکه وهابیان نیروی تازه دست و پا کرده و این بار از کویت به شبه جزیره عربستان روی آوردند. عبدالعزیز بن سعود که دوران نوجوانی خود را به تبعید در کویت، نزد عموزادگان قبیله‌ای خود گذرانده بود، در سال ۱۹۰۲ به ریاض بازگشت و با تجهیز نسل تازه‌ای از وهابیان رزمنده که «اخوان» خوانده می‌شدند، سروری آل سعود را به دست آورد.

بریتانیا در سال ۱۹۰۹ با موافقت عثمانی‌ها، به کویت خودمختاری داد و در سال ۱۹۱۴ این شیخ‌نشین را رسماً از عثمانی تفکیک کرد (۳). در سال ۱۹۲۰، کویت برای رهائی از مزاحمت‌های «اخوان» بر سر آنان تاخت ولی به سختی شکست خورد.

دیری نگذشت که «اخوان» به فرماندهی فیصل‌الدویش، به جرحه حمله بردند و برج و باروی آن محل را در محاصره گرفتند. کویتی‌ها از بیم تجاوز اخوان به شهر خود، دیوار نسبتاً بلندی بر گرد آن شهر بنا کردند (۴) و تلاش برای رهائی جرحه از محاصره «اخوان» را به سرانجام دلخواه رساندند. «اخوان» در سراسر دهه ۱۹۲۰ حمله به شیوخ و حکام شمال شبه جزیره عربستان را ادامه دادند. امیر عبدالعزیز بن سعود پس از چیره شدن بر خاندان هاشمی (شریف حسین و پسرانش) در مکه در سال ۱۹۲۶ به عنوان پادشاه حجاز تاج بر سر





نهاد. یاران انگلیسی شریف حسین پسران وی (فیصل و عبدالله) را در کشورهای عراق و اردن به وجود آوردند، به پادشاهی نشانند.

یورش های بی دریغی «اخوان» علیه قبایل شمال عربستان گرد هم آتی و اشتراك مساعی میان آن قبایل را علیه «اخوان» تشویق کرد. در این هنگام، «اخوان» که زمانی لشکر برق آسای ابن سعود شمرده می شدند، علیه وی شوریدند. به این دلیل ابن سعود آشکارا از نیروی هوایی بریتانیا و لژیون عرب، به فرماندهی «جان بگات گلوب» (گلوب پاشا) علیه «اخوان» پشتیبانی کرد. نبرد این دو دسته در سال ۱۹۲۸ منجر به عقب نشینی «اخوان» به کویت شد. «الدویش» و دیگر رهبران «اخوان» در سال ۱۹۳۰ در کویت خود را تسلیم دشمنان کردند. دو سال پس از این رویداد، کشور عربستان سعودی در جنوب و باختر کویت تأسیس شد. قبلاً در شمال کویت، بریتانیا و یارانش از به هم آمیختن دو پاشالیک بغداد و بصره، کشور عراق را تأسیس کرده و به ملک فیصل اول، فرزند شریف مکه بخشیده بودند.

در سال ۱۹۳۲ عراق و کویت مرزهای تقریبی خود را در شمال منطقه کویتی «الباطنه» و جنوب منطقه عراقی «رمیله» تعیین کردند. قرارداد مرزی یاد شده، هشت جزیره واقع در نزدیکی کرانه های کویت و عراق در خلیج فارس، از جمله دو جزیره وره و بوبیان را رسماً از آن کویت شناخت.

### کشف نفت و ادعای عراق

همزمان با کشف نفت در نزدیکی های شهر کویت در سال ۱۹۳۸، اعلام شد که سرزمین کویت

لمز منابع نفتی بزرگی برخوردار است. کویت تا این تاریخ به صورت شیخ نشین نیم دایره شکلی گسترش یافته بود که بخش بزرگی از آن را سرزمین صحرانی مسطحی تشکیل می داد. این سرزمین که قرن ها عملاً بی صاحب قلمداد می شد و از هر موهبت خداداد و طبیعی بی بهره می نمود، ناگهان به عنوان انبار بی کران نفت اعلام شد. با شنیدن خبر این کشف بزرگ، ملک غازلی پادشاه عراق ادعای مالکیت بر کویت را مطرح کرد. این ادعا بار دیگر از سوی نوری سعید، نخست وزیر مقتدر عراق در سال ۱۹۵۸، چند ماه پیش از کودتای عبدالکریم قاسم، تجدید گردید. این بار نوری سعید خواهان پیوستن کویت به فدراسیون عراق و اردن بود. ادعای وی هنوز پا نگرفته بود که دولت او و رژیم هاشمی با کودتا سرنگون شد.

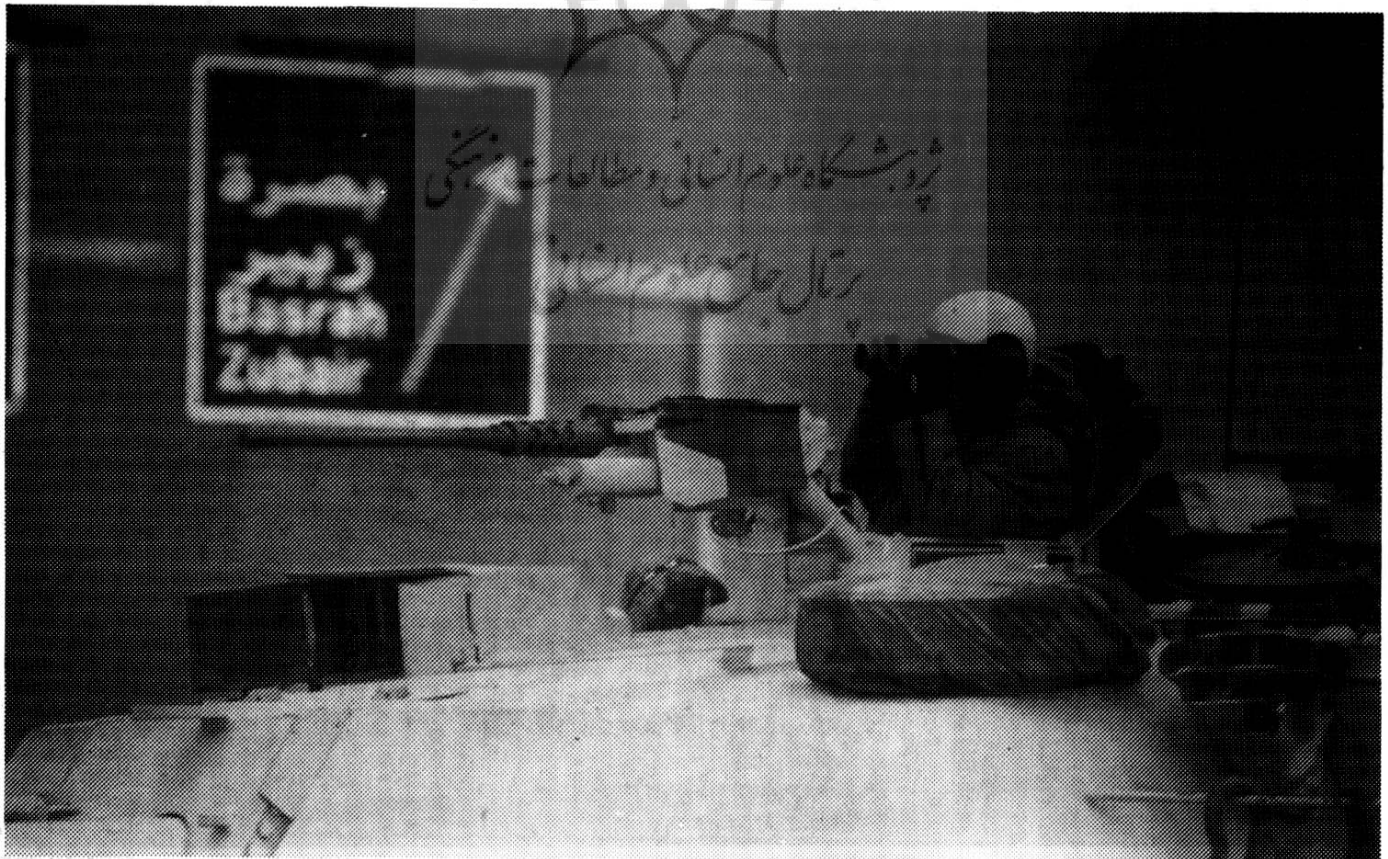
### استقلال کویت و تهدیدهای عراق

روز نوزدهم ژوئن ۱۹۶۱ کویت و بریتانیا قرارداد تازه ای امضاء کردند که بر اساس آن قرارداد ۱۸۹۹ لغو و استقلال کویت رسماً اعلام می گردید شش روز از اعلام استقلال کویت گذشته بود که این امارات خود را با تهدید نظامی عراق روبرو یافت. طی اطلاعیه ای که روز ۲۶ ژوئن آن سال از رادیو بغداد بخش شد، عبدالکریم قاسم حکمران تازه عراق، کویت را «جزء لایتجزای» عراق خواند. همان روز یادداشتی به همه نمایندگی های خارجی در بغداد فرستاده شد که طی آن، دولت عبدالکریم قاسم ادعای کهن عراق را بعنوان «حقیقتی که به تایید تاریخ رسیده است» تعریف کرد و مدعی شد:

۱- کویت بخشی از استان بصره در امپراطوری عثمانی بوده است.  
۲- این وضع از سوی بریتانیا، هم پیش از قرارداد ۱۸۹۹ و هم پس از آن، به رسمیت شناخته شده است. بموجب این قرارداد کویت به صورت تحت الحمایه بریتانیا درآمد (۵).

در ادعای دولت عراق اضافه شده بود: «دولت های بیگانه، از جمله دولت بریتانیا، حاکمیت عثمانی را بر کویت، تازمان جنگ جهان گیر اول به رسمیت می شناختند... پس از انقلاب ۱۹۵۸ عراق، امپریالیزم بریتانیا به روش های تازه ای متوسل شد و کویت را زیر پوشش به اصطلاح استقلال از عراق جدا کرد... به این دلیل دولت بریتانیا در تاریخ ۱۹ ژوئن ۱۹۶۱ قرارداد امپریالیستی تازه ای با شیخ کویت امضاء نمود و به موجب آن، قرارداد بی ارزش ۱۸۹۹ را باطل ساخت.»

به هر حال، گسیل نیروهای رزمی از سوی بغداد به مرزهای کویت، سبب شد تا امارت آل صباح روز ۳۰ ژوئن آن سال، براساس ماده سوم قرارداد جدید، رسماً از دولت بریتانیا درخواست کمک نماید. درخواست دیگری برای یاری از عربستان سعودی که پادشاهی قبلا طی تلگرافی پشتیبانی خود را از «کشور برادر» کویت اعلام کرده بود، به عمل آمد. ایران نیز پشتیبانی خود را با اعزام یک هیات حسن نیت به کویت یادآور شد. نیروهای بریتانیا تا تاریخ ۷ ژوئیه یک خط دفاعی به طول ۶۰ مایل در فاصله پنج مایلی مرز عراق به وجود آوردند (۶). صف آرائی دو نیرو در برابر هم سبب شد تا اتحادیه عرب پای در میان گذارد و یافتن یک راه حل سیاسی را توصیه نماید.





## کویت صد میلیارد دلار خسارت دیده است

■ محمد ابوالحسن، سفیر کویت در سازمان ملل، از دبیر کل سازمان ملل خواست که اقداماتی مناسب برای نظارت بر چگونگی باز گرداندن دارائیهای کویت که توسط عراق به غارت رفته است، اتخاذ کند.

- به گزارش خبرگزاری فرانسه، خاور برز دکوئه یار، بدون مشخص کردن نوع این اقدامات، با بررسی راهی برای این مسئله موافقت کرد. ابوالحسن، در پی دیدار با دکوئه یار، گفت: خسارتهای وارده به کویت از سوی عراق بالغ بر یکصد میلیارد دلار است.

وی افزود: هر روز ۱۲۰ میلیون دلار زیان نیز به علت سوختن چاههای نفت به کویت وارد می شود. - وی سپس پیشنهاد کرد که عراق تاوان این خسارتهای را از طریق صندوق تامین درآمدهای نفتی بردارد.

- سفیر کویت در سازمان ملل همچنین از نظریه انگلیس مبنی بر تصویب قطعنامه جدیدی در شورای امنیت، برای اینکه عراق از اعمال تروریستی دست بردارد تمامی انبارهای سلاحهای شیمیایی و میکروبی آن کشور نیز منهدم شود، ابراز خشنودی کرد.

پیشنهاد عربستان

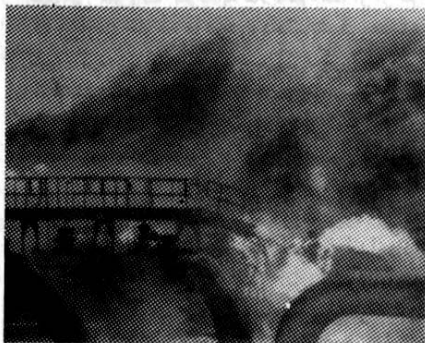
■ - به نوشته روزنامه لوموند، چاپ پاریس، عربستان سعودی پیشنهاد کرده است که عراق، با پرداخت یک دهم در آمد نفتی آینده خود، خسارات وارده به کویت را جبران کند.

به گزارش خبرگزاری آلمان غربی، این نشریه به نقل از منابع دیپلماتیک نوشت: این پیشنهاد به وسیله کشورهای متحد تحت رهبری آمریکا که ماه گذشته ارتش عراق را از کویت بیرون راندند، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

هیات نمایندگی کویت در سازمان ملل گفته است که اشغال هفت ماهه کویت توسط عراق یکصد میلیارد دلار خسارت در برداشته است.

- از سوی دیگر، محمد ابوالحسن، نماینده دائمی کویت در سازمان ملل متحد، چند روز پیش در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت: هنوز ۳۳ هزار کویتی که به زور به عراق برده شده اند، به کشورشان برگشته اند که از این تعداد، ۸ هزار نفر اسیر جنگی هستند.

- به گزارش رادیو باکو، به نقل از خبرگزاری تاس، وی در مورد اعتبار لازم برای بازسازی کویت گفت: بسیاری از صاحب نظران خسارت وارد به کویت را ۱۲ تا ۱۵ میلیارد دلار برآورد کرده اند، در حالیکه این رقم فقط شامل اموال به غارت رفته مردم است!



ساخت. این دو جزیره در دهانه خور عبدالله واقع شده و پایگاه دریائی عراقی ام القصر را پشت سر دارند.

یک بار دیگر اتحادیه عرب میانجی گری نمود و دو طرف را به گفت و گو نشاند. این گفت و گوها تا اوایل ۱۹۷۵ ادامه یافت و سرانجام به توافقی منجر شد که براساس آن کویت امتیاز استفاده بازرگانی از بندر «شعبیه» و راه های ارتباطی میان آن بندر تا عراق را به دولت صدام حسین داد (۹). این امتیاز در جریان جنگ هشت ساله ایران و عراق و بسته شدن شط العرب سخت به یاری بغداد آمد.

## بحران کنونی

هشت سال جنگ میان ایران و عراق سبب شد تا بغداد فرصت تجدید استراتژی ادعا و تهدید علیه کویت را نیابد. فروکش کردن آتش این جنگ و تجدید قوای عراق از یک سو، و بدهی های چند صد میلیاردی خارجی عراق و کمبود امکانات مالی آن کشور برای بازسازی از سوی دیگر، و نیز تنگنای جغرافیای سیاسی که عراق در آن گرفتار آمده است، دولت بغداد را بر آن داشت که استراتژی ادعا و تهدید علیه کویت را تجدید نماید.

این بار ادعاهای کهن با انگیزه های نوینی در آمیخته شد. عراق مدعی شد که نه تنها وام های خود به کویت را نخواهد پرداخت بلکه چون کویت «نفت عراق» را از مناطق نفتی مورد اختلاف نزدیک مرز دو کشور دزدیده، از این بابت محکوم به پرداخت خسارت است. فشار دولت کویت برای کاهش دادن بهای نفت از راه افزایش تولید دلیل دیگری برای برآشفتگی بغداد شمرده شد. این بار عراق سراسر کویت را اشغال کرد و این کشور را بخشی از عراق خواند.

## یادداشت ها

۱- برای آشنائی با چگونگی جغرافیای سیاسی عراق در رابطه با همسایگان، نگاه کنید به «تحولات عراق»، نوشته بیروز مجتهدزاده، ماهنامه «مسائل جهان»، تهران - تیرماه ۱۳۵۷ - شماره ۴ - سال ششم، صفحه ۱۶ تا ۲۹.

Wilson, Sir Arnold t., «The Persian Gulf». London 1928. p. 251-2

۳- برای آشنائی با تاریخ و جغرافیای کویت، نگاه کنید به کتاب «شیخ نشینهای خلیج فارس»، تالیف بیروز مجتهدزاده، تهران - مرداد ماه ۱۳۴۹.

۴- بخشی از این دیوار کهن و با روی (کوت) قدیمی که نام کویت از آن آمده است، به عنوان یک اثر تاریخی، همچنان در میدان مرکزی شهر کویت نگاهداری می شود.

5- Keesing, s Contemporary Archive, Kuwait, July 8-15, 1961, p. 18187

6- Keesing, s Contemporary Archive, op. cit. p. 18188.

7- Newsweek, «Middle East Border Clash», April 2, 1973.

۸- کیهان - به نقل از الرای العام - ۴ دسامبر ۱۹۷۴، شماره ۹۴۲۹، صفحه ۴

9- The Economist, «Look Beyond Oil», May 1975, Vol. 255, No. 6873, p. 25.

○ شش روز پس از اعلام استقلال کویت در سال ۱۹۶۱، عبدالکریم قاسم حکمران عراق بار دیگر ادعاهای کهن بغداد نسبت به کویت را مطرح ساخت و آن کشور را «جزء لایتجزای» عراق خواند. همین شخص، دو سال بعد، با دریافت ۲۵ میلیون لیبره استرلینگ «وام بدون بهره» حاضر شد ادعای خود را پس بگیرد و موجودیت «همسایه جنوبی» را به رسمیت بشناسد.

○ در سال ۱۹۷۵، دولت کویت تحت فشار سیاسی - نظامی عراق امتیاز استفاده بازرگانی از بندر «شعبیه» و راههای میان آن بندر تا خاک عراق را به رژیم حاکم بر بغداد داد و این امتیازی بود که در جریان جنگ هشت ساله با ایران، سخت به یاری بغداد آمد.

گفت و گوها ادامه یافت تا آنکه در سال ۱۹۶۳، عبدالکریم قاسم با دریافت ۲۵ میلیون پوند به عنوان «وام بدون بهره» ادعای خود را پس گرفت و موجودیت کویت را برسمیت شناخت.

## بحران سال های ۷۳-۱۹۷۲

روی کار آمدن حکومت بعثی حسن البکر - صدام حسین در عراق، پس از کودتای ۱۹۶۸، تجدید ادعاهای کهن نسبت به کویت را به دنبال داشت. در سال ۱۹۷۲، عراق تلاشی را برای واقعیت بخشیدن به «حقوق» خود در مورد جزایر وره و بوبیان آغاز کرد. اواخر ماه مارس ۱۹۷۳، گزارش عملیات نظامی عراق در مرزهای کویت انتشار یافت. به ادعای منابع کویتی، نیروهای عراقی از پست مرزی السمیته گذشته، تا دو مایل در خاک کویت پیش روی کردند و ۲۰ تن از پاسداران مرزی کویت را اسیر نمودند. همین منابع مدعی شدند که عراقی ها پست مرزی دیگری را زیر آتش گلوله گرفتند و چهار تن کویتی را زخمی کردند. دولت کویت بلافاصله وضع فوق العاده اعلام کرد و نمایندگانی را نزد «دولت های دوست» گسیل داشت تا افکار عمومی جهان را علیه عراق (۷) برانگیزد. از آنجا که دنیای عرب در آن هنگام خود را آماده جنگ با اسرائیل می کرد، اتحادیه عرب از دو طرف خواست تا روشن شدن وضع فوق العاده با اسرائیل دست از مجادله بردارند و به گفت و گو پردازند.

## بحران سال ۱۹۷۴

گفت و گو میان دو طرف اگر چه طولانی شد اما به نتیجه ای نرسید. در نوامبر ۱۹۷۴، نیروهای عراقی بار دیگر از مرزهای دو کشور گذشته و، به ادعای روزنامه کویتی الرای العام، تا دو کیلومتر در خاک کویت نفوذ کردند (۸). این بار عراق ادعای خود را اساساً روی دو جزیره وره و بوبیان متمرکز